

بررسی علل ابهام حقوقی قتل های ناموسی  
در عرصه احکام شریعت و ضوابط دادسی کیفری

گزارش حقوقی حاضر با هدف شفاف سازی و حمایت از ابطال قانونمند دفاع ناموسی و حذف تعدیل / کاهش مجازات در عرصه قوانین جزا تسلیم اعضای هیئت اصلاح قوانین کیفری افغانستان می گردد.

مقدمه

زیرساخت حقوقی قوانین کیفری در حین حمایت صریح از ضوابط اصولی مجازات و عوامل بازدارنده و ابزار تامین عدالت ، برای تعدیل مجازات ملزوم موارد خاص نیز پیش بینی لازم را نموده است. در خصوص پرونده های ناموسی ، چنانچه که از قرائن بر می آید ، مراجع ذیربط برای احراز محکومیت قطعی متهمان بدنامی مطروحه را در احکام خود منظور داشته اند.

قربانیان قتل های ناموسی معمولاً زنانی هستند که به دست اعضاء مذکر خانواده خود به قتل رسیده اند. طبق گزارش 2002 میلادی سازمان ملل متحد وقوع قتل های ناموسی در کشورهای متعددی گزارش شده و می شوند.

علل تعارض قانونی قتل های ناموسی

غالب متهمان دعوی قتل های ناموسی با توسل به دفاع تحریک غیرمترقبه و مخرب تبرئه می شوند. یعنی ارتکاب جرم بدون قصد و اراده و ناشی از اختلال مشاعری که شوک

محرك وارده ایجاد کرده است. تعارض فاحش ادله دفاع تحريك و ماهيت قتل هاي ناموسي تفسير و مشروعيت قانوني برائت قتل هاي ناموسي مبتني بر دفاع تحريك را دشوار مي سازد.

تعدیل مجازات قتل هاي ناموسي به هيچ عنوان نمي تواند از نظر قانوني مبتني بر واکنش " متعارف " باشد. زيرا به لحاظ آميختگي عميق باورهاي فرهنگي ، قومي و شخصي مرداني که افکار انتقام جويانه از زناني را در سر مي پرورانند که به زعم ايشان گمراه گشته اند ، توجيه قانوني واکنش " متعارف " اين دعاوي مشکل و بعيد مي نمايد.

علي رغم موارد استثنائي و خاصي که واجد شرايط قانوني لازم براي تعديل مجازات هستند ، رسالت قانون جزا در وهله اول حمايت از قربانيان ، محافظت از آسيب ديديگان و تامين امنيت جامعه است. در نتيجه ، در حين رعايت حقوق قانوني متهمان همواره بايد يك توازن واقعي بين علت " متعارف " مجرم در ارتكاب جرم از سويي و حق حيات و كرامت انساني از سوي ديگر برقرار باشد.

### نقض صريح احكام زيربنائي شرع در قتل هاي ناموسي

از طراحان پيش نويس قانون جديد سوال شد: چگونه مي توان در چهارچوب ضوابط قانون اساسي افغانستان توازني عادلانه و قانونمند ميان " حقوق " قرباني و متهم برقرار نمود؟

به عبارتي انطباق برائت قتل نفس به بهانه ناموس ، با مفاد ماده 23 قانون اساسي افغانستان و احكام دين مبين اسلام در تضاد بوده و بعيد مي نمايد چرا که با استناد به ماده 23 قانون اساسي و احكام اسلامي حفظ حق حيات و كرامت انساني رسالت بي ترديد قانون است.

احکام مرگ و یا بخشش فقط در موارد بسیار نادری صادر می گردند. (مثل: حکم اعدامی که توسط مجری ذی صلاح دولت و طبق قوانین جاری کشور صادر و اجرا می گردد). چالش پیش رو اثبات بی تردید هر علتی است که نه فقط قتل نفس را موجه می کند بلکه در چهارچوب ضوابط قانون اساسی افغانستان و احکام زیربنایی اسلامی قانون اساسی در رابطه با حق حیات و کرامت انسانی توجیه پذیر و قابل استناد است. بی صبری، هیجانات

روحي، خشم، خیانت و حسادت دلایل قابل قبولی برای ساقط کردن حقوقی نیست که اسلام با تکیه بر قرآن کریم محفوظ می دارد.

به عبارتی، اشاره موکد به این مطلب است که متقاعد کردن قانون گذار در رد دفاع ناموس و برائت متهم به قتل زنی با استناد به دفاع ناموسی و وظیفه مدافعان بشر و وکلا نیست. حفاظت از حق حیات و کرامت انسانی وظیفه محرز و بی تردید هر انسانی است. متقاعد کردن جامعه در اغماض از رسالت و اصول زیربنایی قوانین کیفری، چشم پوشی از حمایت مستتر در بطن قانون اساسی و زیر پا گذاشتن مبانی احکام شریعت برعهده مدعیان مشروعیت دفاع ناموس است.

برای تفهیم بهتر مطلب نگاهی به ماده 931 قانون جزایی افغانستان می کنیم، مصداق بارزی که صراحتاً متذکر می شود «تشویق به انجام و مباشرت در خودکشی به هر شکل و عنوانی جرم محسوب می شود و خاطی با پیگرد قانونی محکوم به حبس خواهد بود...» ماده مذکور صراحتاً تصریح می کند که هرگونه دخالت در خودکشی، ولو از روی ترحم و حتی با رضایت قربانی ممنوع و جرم بوده و احادی از جمله خانواده و پزشکان شخصی رو به موت حق دخالت در تسریع مرگ را نداشته و ندارند. با توجه به صراحت قانون در خصوص ممنوعیت و عدم شمول تعدیل مجازات "قتل های ترحمی" چگونه تفسیر متفاوتی از قانون در مورد "قتل های ناموسی" ممکن و قابل توجیه است؟

مباشرت در خودکشی ولو مبتنی بر ترحم و احساس نوع دوستی و در برخی موارد خاص هرچند موجه بنماید ولی هرگز نمی تواند حق لایزال خداوند بر حیات و کرامت انسانی را انکار کرده و بر آن پیشی بگیرد.

با توجه به اولویت حق لایزال خداوند بر حیات و کرامت انسانی حتی در موارد مباشرت در خودکشی از روی ترحم، چگونه می توان مشروعیت قانونی يك موضوع ذهنی فرهنگی مستعد به خشونت مثل «ناموس» را بر «ترحم» تعریف و توجیه نمود؟ مثلاً: چرا مباشرت در خودکشی آن هم فقط با انگیزه ترحم، بی درنگ چالش حق لایزال خداوند بر حیات تعریف و معرفی می شود ولی "قتل های ناموسی" چنین پیامد و استنتاجی را در پی ندارند؟ بدون تردید حیات حق لایزال خداوند است و قوانین مدون بشری به هیچ

عنوان حق واگذاری این حق را به خویشاوندان با برداشت و تعریف شخصی آنها از "ناموس" را ندارند.

### علل تعارض و عدم مشروعیت قتل های ناموسی در چهارچوب ضوابط ملزوم قوانین

#### کیفری

در چالشی برای تفهیم بهتر مطلب به دنبال بررسی اجمالی نقض صریح مبانی احکام شرع اسلامی در دفاع ناموسی، کند و کاوی در تعدیل مجازات قتل های ناموسی در عرصه ضوابط حقوق کیفری خواهیم کرد.

رسالت حقوق جزا چیست؟ رسالت قوانین حقوق جزا فراسوی تفسیر و تعریف بدیهی قانونی مفاهیم نظری جرم و مجازات و روند قضایی در اعتلای اصالت قانونمندی و عدالت نهفته است. تعدیل مجازات در پهنه ابزار قضایی سهم اندکی دارد که صحنه بر نقاط ضعف طبیعت انسان می گذارد در حالی که قصد و نیت ارتکاب جرم از منظر قانونی

مسئولیت کیفری دارد و مجرمی که عمل جرم را از روی قصد واقع می ساخته و شخص معینی را هدف جرم خود قرار داده از نظر قانونی عمد مطلق در عمل مجرمانه خود داشته و دادرسی کیفری با هدف حفظ حقوق عامه مسئولیت کیفری یعنی مجازات قانونی را برای وی منظور می دارد. اما، قانون با استناد به ارتکاب جرم ناشی از واکنش آنی، ملاحظاتی را منظور داشته و اتخاذ مواضع ملایم تری را نیز پیش بینی کرده است. اما، این تدبیر بی قید و شرط نبوده و این حق بدون ضابطه به داگاه مراجع قضایی، اعطا نگشته است.

قتل های ناموسی به واقع در حکم ترویج اعدام های بی ضابطه و خودسرانه توسط اشخاص خصوصی به علت اهانت شخصی و یا قومی هستند. عامل زیربنایی " تحریک ماهیت دفاع تحریک متفاوت بوده و ضوابط خاص خود را دارد. عدم کنترل و خویشتن داری است. در غالب نظام های حقوقی ضرورت اثبات اضطراب زمانی و گرانباری عامل محرک تعیین کننده سطح استاندارد روند دادرسی است. در بطن چنین ساختاری محدودیت های تناسب و واکنش و اضطراب زمانی پیش بینی شده ا

ست. یعنی دفاع تحریک محدود به فاصله زمانی میان وقوع محرک غیر مترقبه وارده و واکنش رخ داده است.

الزام اضطراب زمانی و تناسب و واکنش ضابطه الزامی این دفاعیه است: در واقع مشروعیت دفاع تحریک در گرو واکنش آنی و تناسب عکس العمل است. ملاحظات مذکور در نظام حقوقی افغانستان مستتر بوده و به هیچ عنوان مفاهیم جدید و بیگانه ای نیستند. ملاحظات قانونی به منظور حفظ حقوق اشخاصی پیش بینی شده است که از درک اعمال و عواقب اعمال خود به دلیل عدم صلاحیت عقلانی (مثل جنون) ناتوان هستند و یا در محدوده خاص زمانی (مثل ایام مستی) قادر به تشخیص عقلایی عواقب اعمال خود نیستند.

به همین جهت دفاع تحریک دعوی خود را بر مبنای فروپاشی عقل سلیم و عدم صلاحیت تشخیص ناشی از قلیان احساسات مخرب قرار می دهد که رفتار قانونمند بدیهی را به ورطه سقوط افکنده است. به عبارت روشن تر ، تعدیل مجازات فقط با شرایط فوریت زمانی و متناسب با ماهیت واقعه توجیه قانونی می یابد. شرایطی که باعث فروپاشی یک ذهن سالم و غیر مجرم به ارتکاب جرم با یک ذهن مخدوش منتهی گشته است ، به عبارتی دادگاه باید دریابد:

الف. محرز بودن تزلزل عقل سلیم به ذهنی مخدوش

ب. محرز بودن فوریت زمانی زوال عقل

ث. اثبات گرانباری عامل تحریک

د. اثبات تناسب عامل تحریک و عمل مجرمانه

ج. در غیر این صورت ، متهم در منظر قانون مسئول عمد مطلق عمل مجرمانه ای است که مرتکب شده است.

هرچند ، تعدیل مجازات دفاع ناموسی مفروض بر ادله (الف) (ج) نیست زیرا تخفیف مجازات در این جرایم قطع نظر از رعایت هیچ نکته ای اعمال می گردد. یعنی داشتن حق مسلم قتل عمد با عقل سلیم در موارد ناموسی ، فارغ از شک و یقین در اصالت عامل. آستانه عوامل «تحریک آبی و مخرب» پرونده های قتل وسیع بوده و هر پرونده وضعیت خاص خود را دارد. دفاع ناموس نیز ماهیت متمایز و خاصی دارد. زیرا متکی بر ضو

ابط و هنجارهای فرهنگی است در حالی متهم در کمال هوشیاری با عمد مطلق مرتکب عمل مجرمانه شده است. همان طور که در دفاع مشروع و قانونی استناد به تعصب و باور شخصی ممنوع است ، ارجاع به آداب و رسوم قومی و فرقه ای در صورت هرگونه تعرض به حیات و امنیت اشخاص نمی تواند مجاز و قانونمند باشد. عقب ماندگی و

محدودیت بینش چنین نظام حقوقی واپس گرایی رسالت اصول مدون رفتار انسانی را زیر سوال می برد. به علاوه، از آنجا که قتل های ناموسی هرگز به علت تحریک عامل محرک اتفاق نمی افتد (آنطور که مدنظر قانون است) شرایط لازم برای احراز دفاعی مناسب و قانونمند را ندارند. قتل های ناموسی در واقع ارتکاب قتل عمد با عقل سلیمی هستند که عواقب فراگیر "بدنامی" متوجه شخص خود را بررسی، تجزیه و تحلیل کرده و سپس عامدانه در کمال هوشیاری اقدام به قتل عمد یکی از اعضای خانواده خود می کنند. گامی حقوق و آکادمیک در راستای احقاق حقوق زنان در لوای قوانین بین المللی و احکام اسلام، پیشگام در طرح مباحث قضایی در صحنه دادگاه و دفاع از حقوق قربانیان

Written by

Natasha Latiff

Deborshi Barat

Translated by

Mariam Saidan

[www.feminijtihad.com](http://www.feminijtihad.com)

Copyright 2014